

ادامه از صفحه ۸

کیانوش عیاری از تجربه ساخت «تنوره دیو» و «شبح کزدم» گفت

اما من سمج و مشتاق و پرزرتی بودم و روی فیلم‌نامه کار می‌کردم و در نهایت وقتی بنیاد فارابی شکل گرفت، از من هم دعوت شد که به‌عنوان یکی از فیلم‌سازان جوان سینمای آزاد پیش از انقلاب دعوت شد. در آنجا بسیار کله کردم که دوستان در ارشاد شش‌بار فیلم‌نامه را رد کرده‌اند و من مجدداً آن را نوشته‌ام. او ادامه داد: شاید تعداد کمی از افراد فیلم «تنوره دیو» را دیده باشند؛ در فیلم شاهد عشق‌ورزی بین یک زن و شوهر بیر هسیتیم، هرچند زن به‌شدت از شوهرش دلخور است و او را ملامت می‌کند. بعدها متوجه شدم در هر شش‌باری که این فیلم‌نامه اصلاح و جور دیگری نوشته می‌شد، همیشه یک صحنه وجود داشت که این عشق بین پیرزن و بیرمرد را به زبانی بیان می‌کرد. این اشخوَر واحدی داشت و من هرگز به عمد و آگاهانه چنین کاری نمی‌کردم. در تمام اینها به مفهوم عشق اشاره می‌شود که بخشی از حیات بشر است و می‌تواند در فلسفه هم معنا پیدا کند. چنین موضوعی چگونه از شش فیلم‌نامه که اصلاح شده‌اند، به اشکال مختلف سر درمی‌آورد؟ او اضافه کرد: تمام تجارب بشر بی‌آنکه خود از آن آگاه باشند، به خواب تبدیل می‌شود. در خواب خلق‌وخوی یک انسان و ذرات خاطرات او و نگاهی او تماماً در کنار هم قرار می‌گیرد و بعد یک پیش‌بینی کاملاً درستی می‌کند. در خواب چیزهایی هست که ممکن است هیچ‌گاه متوجه آنها نبوده باشیم. مغز به‌شکلی پیچیده در طول روز همه چیز را به هم وصل می‌کند و در زمان لازم آنها را به‌عنوان نتیجه نهایی به ما تحویل می‌دهد. «شبح کزدم» از چنین مسیری عبور می‌کرد. خاطرات سینمایی من در اینجا حضور داشتند و برای من جالب بود که بعضی از مواردی که در فیلم‌نامه رخ می‌داد، برایم تازگی داشتند. اما اکنون پس از گذشت ۳۵ سال می‌توانم بگویم آنها برای من تازگی نداشتند بلکه بخشی از تجربیات کاملاً پنهان و ناپیدای من در زندگی‌ام در ارتباط با علائقم اعم از سینما و غیر از آن بوده‌اند. این مهندسی که درون من برپایم انجام داد، در زمینه فیلم‌نامه‌کار من را خیلی راحت کرد اما چیزی بود که در واقع در طول زندگی‌ام برای آن زحمت کشیده بودم. «شبح کزدم» تجربه من در گذر از خاطرات سینمایی‌ام است؛ از ناکامی‌های سینمایی، از آرزوهای برآورده نشده و برآورده نشده سینمایی و چیزهایی که در اطرافم بوده است.

با انتخاب «کامالا هریس» به‌عنوان معاون و همراه «جو بایدن» در انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا، این سناتور ۵۵ساله ایالت کالیفرنیا نخستین زن رنگین‌پوستی لقب گرفت که نامزد ریاست‌جمهوری یا معاونت ریاست‌جمهوری ایالات‌متحده می‌شود. اما فارغ از این رکورد، انتخاب هریس با توجه به نامزدی چهره‌هایی مانند «سوزان رایس» و «الیزابت وارن» کمی عجیب به‌نظر می‌رسد. معرفی کامالا هریس از سوی بایدن به‌عنوان معاون و همراه با استقبال رنگین‌پوستان روبه‌رو شد و حتی افرادی که نگاهی منفی به حضور هریس در کمپین مقدماتی دموکرات‌ها برای انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۰ داشتند هم از این انتخاب استقبال کردند. پیش از هریس، «جرالدین فرورو» در ۱۹۸۴ از‌سوی «والتر ماندیل» از حزب دموکرات و «سارا پیلین» در ۲۰۰۸ از سوی «جان مک‌کین» جمهوری‌خواه به‌عنوان نامزد معاونت ریاست‌جمهوری معرفی شده بودند.

«ناسی پلوسی»، رئیس دموکرات مجلس نمایندگان آمریکا، انتخاب هریس را نقطه‌عطفی در تاریخ آمریکا دانست. «برنی سندرز» چپ‌گرا که در کمپین امسال هم به سود نامزد برتر دموکرات‌ها کنار کشید، گفت او تاریخ آمریکا را رقم می‌زند و «هیلاری کلینتون» هم از هیجان خود برای چنین انتخابی سخن به میان آورد. سی‌ان‌ان هم روز گذشته گزارش داد که انتخاب کامالا هریس با نظر مثبت «باراک اوباما، رئیس‌جمهور پیشین آمریکا صورت گرفته است. اما فارغ از این هیجانات و استقبال‌ها، انتخاب هریس می‌تواند نشان از شکاف در حزب دموکرات باشد و همچنین با توجه به اتهام‌هایی که علیه هریس در زمان حضور به‌عنوان دادستان کل ایالت کالیفرنیا مطرح شده، بدون تردید «دونالد ترامپ» قیپ‌بایندن و رئیس‌جمهوری آمریکا و تیم مشاورانش حملات خود را علیه بایدن و هریس افزایش خواهند داد؛ همان‌گونه که ترامپ بلافاصله پس از انتخاب هریس واکنشی تند و منفی از خود نشان داد و با «ناخوشایند» خواندن این انتخاب هشدار داد «بایدن و هریس در صورت پیروزی در انتخابات ماه نوامبر، ایالات‌متحده را به نابودی خواهند کشاند».

کامالا هریس کیست؟

کامالا هریس از پدري آفریقایي-جامایکایی و مداری هندی در اوکلند کالیفرنیا متولد شده و

جو بایدن پس از ماه‌ها رایزنی معاون اول خود را معرفی کرد

شمشیر دولبه‌ای به نام «کامالا هریس»



به گفته خودش در جنبش سیاه‌پوستان در دهه ۶۰ میلادی فعال بودند. او از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۷ دادستان کالیفرنیا بود و پس از آن سناتور این ایالت در سنای آمریکا شد.

هریس برای انتخابات ۲۰۲۰ هم اعلام آمادگی کرد اما خیلی زود کنار کشید. باین‌حال در مناظره‌های درون حزبی دموکرات‌ها چند بار خیرساز شد. هریس در این مناظره‌ها بارها جو بایدن را سیاست‌مداری نژادپرست خطاب کرد. در مناظره‌ای دیگر هم «تولسی گابارد» با اشاره به سابقه حضور کامالا هریس در دادستانی کالیفرنیا ادعا کرد که او شواهد بی‌گناهی شخصی محکوم به اعدام را مخفی کرده بود و همچنین به‌صورت غیرقانونی زمینه بهره‌کشی از زندانیان را فراهم می‌کرد. هریس در برابر این اتهام‌ها هیچ مستنداتی ارائه نکرد.

نفوذ رنگین‌پوستان

فارغ از تمامی انتقادهای که به کامالا هریس وارد می‌شود، انتخاب او را بیش از هر چیزی می‌توان ناشی از تحولات ماه‌های اخیر آمریکا دانست. به نظر می‌رسد تمایل بایدن به انتخاب سوزان رایس بود؛ فردی که با وجود سیاه‌پوست‌بودن و تجربه حضور در سمت مشاور امنیت ملی در دولت اوباما، تاکنون در هیچ سمت انتخابی حضور نداشت اما هریس این نقیص بزرگ را نداشت و هم در انتخابات

برگرداند. پس از آنکه رقبا به سود بایدن کنار رفتند و مسجل شد که معاون باراک اوباما، نامزد نهایی حزب دموکرات برای انتخابات ۲۰۲۰ خواهد بود. «جیمز کلایسرن» ارشدترین و بانفوذترین نماینده سیاه‌پوست دموکرات در مجلس نمایندگان از بایدن خواست تا یک معاون زن سیاه‌پوست برای رقابت با ترامپ انتخاب کند.

انزویا چپ‌ها

هر اندازه سیاه‌پوستان نفوذ خود در رده‌های بالای حزب دموکرات را افزایش دادند، طیف چپ‌گرای ترقی‌خواه که برنی سندرز نماینده آنها بود، باز هم از اثرگذاری بر انتخاب معاون یک نامزد ریاست‌جمهوری در حزب دموکرات بازماندند. زمانی که برنی سندرز و الیزابت وارن از رقابت درون‌حزبی دموکرات‌ها به سود بایدن کنار کشیدند، بسیاری از رسانه‌ها با اشاره به محبوبیت این دو نامزد چپ‌گرا نزد بخشی از افکار عمومی، به بایدن فشار آوردند که الیزابت وارن را به‌عنوان معاون خود برگزیند اما نه باراک اوباما به‌عنوان صاحب‌نفوذترین سیاست‌مدار دموکرات در ایالات متحده و نه شخص بایدن موافق چنین گزینه‌ای نبودند. تحولات ماه‌های گذشته و اعتراض‌ها علیه نژادپرستی هم مزید بر علت شد تا وارن بیش‌ازپیش از همراهی با بایدن دور شود.

انتخاب کند تا مانع از اتفاقی شود که در سال ۲۰۱۶ به دموکرات‌ها ضربه زد. نکته‌ای که انتخاب هریس را پراهمیت‌تر می‌کند، سن بایدن و وضعیت جسمانی اوست. بایدن درحال‌حاضر ۷۷ سال دارد و وضعیت جسمانی مساعدی ندارد. بنابراین احتمال می‌رود در صورت پیروزی در انتخابات نتواند دوره چهارساله خود را به پایان برساند. اگر هم بایدن موفق به پایان دوره چهارساله ریاست‌جمهوری احتمالی شود، نامزدی او برای دوره دوم بسیار بعید است؛ بنابراین دموکرات‌ها به‌دنبال نامزدی بودند که ویژگی‌ها و توانایی‌های لازم برای سمت ریاست‌جمهوری را هم داشته باشد. با توجه به این نگرانی‌ها، انتخاب هریس نشان می‌دهد که سیاه‌پوستان نفوذ بالایی در حزب دموکرات دارند. بایدن فراموش نکرده که اگر رای سیاه‌پوستان کارولینای جنوبی را به‌دست نمی‌آورد، روند شکست‌هایش در رای‌گیری‌های درون‌حزبی ادامه می‌یافت و نمی‌توانست پس از سه شکست در آیووا، نیهومی‌شایر و نوادا، ورق را به سود خود

ضرباهنگ

نگاهی به موسیقی - ۷



حمید فرید

• در دل گوشه‌های موسیقی کلاسیک ایران، حکایت بسیاری از دردها، رنج‌ها، شادی‌ها، شکوه‌ها و امیدهای مردم سرزمینمان، از روزگاران کهن تا امروز، نهفته است. تنوع گوشه‌ها و نغمه‌ها در محدوده هریک از دستگاه‌ها و آوازها، امکان بیان اقوال و احوال‌گوناگون را برای نوازندگان و خوانندگان ایرانی میسر کرده است. با وجود این، آنها که با موسیقی ایران انس و الفتی دارند، به این راز پی برده‌اند که هرکدام از دستگاه‌ها و آوازهای «ردیف»، زبان بیان پاره‌ای از احوالات انسانی است. «بیات ترک» در نهاد خود قابلیت شگفت‌انگیز برای نیایش‌های عاشقانه دارد؛ برای همین است که بعضی نیمه‌های شب را مناسب‌ترین اوقات برای شنیدن این آواز آسمانی می‌دانند. بدون شک انتخاب گوشه «روح‌الارواح» در بیات ترک از سوی مرحوم مؤذن‌زاده‌اردبیلی برای خواندن آن اذان جاودانه اتفاقی نبوده است و شاید کشف این راز، یکی از رموز ماندگاری این شاهکار نیز باشد. اگر قول پاره‌ای از بزرگان موسیقی ایرانی را بپذیریم و واژه «بیات» را در واقع شکل تغییر یافته «به یاد» بدانیم، آن‌وقت می‌توان «بیات ترک» را راز نیاز و نیایشی به یاد آن ترک زیباروی ازلی دانست. بیات ترک (بیات زند) یکی از آوازهای موسیقی ایرانی است که جزء متعلقات دستگاه شور دانسته می‌شود. واژه «ترک» در نام این آواز به ترک قشقایی اشاره دارد و گمان می‌رود بسیاری از ترانه‌های محلی قوم قشقایی در این آواز باشد؛ از همین‌رو است که برخی به آن بیات زند نیز می‌گویند. از طرفی در نظری، ابداع آواز بیات ترک با بیات زند گاهی هم با نام بیات شیراز) در منسوب به طایفه‌ای از بیات‌ها به اسم بیات «آق‌اولی» که در موسیقی متبحر بودند و همچنین به دیگر کریمخان آمدوشی دانسته می‌دانند هنوز نام محله‌ای که طایفه «آق‌اولی» در آنجا بودند، به «بیات» مشهور است). پیشوند «بیات» ممکن است مخفف «ایات» نیز باشد. در رساپ علت نام‌گذاری واژه «بیات»، سخن‌های گوناگونی نقل شده است. در بحورالاحسان فرصت شیرازی آمده است: «بیات نام قبیله‌ای از قبایل ترکمن است و مقام بیات یا بیاتی در موسیقی ایرانی و ترکی مقبّس از آهنگ‌های این قبیله است». گروهی معتقدند اگرچه «بیاتی» مربوط به آهنگ‌های ترکان و «بیاتی‌خوانی» نیز به معنای خواندن دوبیتی‌های عاشقانه در موسیقی ترک است، آواز بیات ترک از گوشه‌های موسیقی ایرانی تشکیل شده و احتمالاً تسلط ترکان بر ایران موجب این انتساب شده است. باین‌حال، عارف قزوینی می‌گوید: «بدیخانه این آواز به بیات ترک مشهور شده، درصورتی‌که روح ترک اصلاً از این آواز مطلع نیست و استاد حسن کسایی بر این عقیده‌اند که «بیات» در اصل «به یاد» بوده و مقصود از بیات ترک یا بیات زند، درواقع به یاد ترک یا به یاد [طایفه یا ناحیه] زند است. نکته مهم این است که در موسیقی قدیم، نامی از بیات ترک ذکر نشده و فقط در مقام «حسینی»، گوشه‌ای به نام «دوگاه» وجود داشته که امروزه از گوشه‌های آواز بیات ترک و تنها ریشه تاریخی این آواز است. گستره صوتی بیات ترک به‌همراه تمام گوشه‌هایش، یک فاصله یازدهم درست را تشکیل می‌دهد که متناسب با وسعت صدای انسان است. در آواز بیات ترک، برخلاف دستگاه شور و برخی دیگر از متعلقاتش که درجه سوم شور دارای اهمیت بسیاری است، روی درجه سوم شور قرار می‌گیرد، چنانچه این درجه، نت شاهد بیات ترک دانسته می‌شود. در آواز بیات ترک، نت شاهد و نت خاتمه، هر دو بر درجه سوم شور قرار دارند؛ همچنین نت آغاز و ایست بیات ترک نیز بر نت زیر پایه شور قرار دارد و به اعتقاد استاد روح‌الله خالقی، بیات ترک از تغییر نت پایه شور حاصل شده است. بیات ترک با دستگاه شور رابطه نزدیکی دارد و برخی گوشه‌هایش همچون «مهدی ضربی» در تقویت این ارتباط مؤثر است. بیات ترک ارتباط نزدیکی نیز با ماهور دارد و در گوشه‌های «دلکش» و «خسروانی» می‌توان بیات ترک را اجرا کرد. «قطار» مهم‌ترین گوشه در مایه بیات ترک است که دوبیتی‌های باباطاهر را اغلب با آن اجرا می‌کنند. از دیگر گوشه‌های بیات ترک می‌توان به دوگاه، حاجی حسنی، شهبای، مهربانی، سارنج، بهبهانی، قرانسی (اوج آواز بیات ترک است که معمولاً در انتهای اجرا به کار می‌رود) و... اشاره کرد. نام گوشه «دوگاه» احتمالاً در قدیم به موقعیت دست نوازنده روی دسته ساز اشاره داشته؛ چنان که همین ریشه تاریخی احتمالاً برای نام‌هایی همچون «سه‌گاه»، «چهارگاه» و «پنج‌گاه» نیز متصور است. بیات ترک گاه دارای احساس حزن و اندوه توصیف شده و از این جهت برای اجرای تعزیه مناسب دانسته شده است. همچنین برای اذان و دیگر موسیقی‌های مذهبی، ازجمله موسیقی درویش استفاده می‌شود؛ چنان که درویش سلسله «قادریه» در منطقه کردستان نیز اشعاری را با دف در گوشه مهربانی و قطار اجرا می‌کنند و از این‌رو گاه به گوشه قطار، چهاردرویش» نیز گفته می‌شود. بیات ترک در مقایسه با دیگر مشتقات شور، حال‌وهوای غم‌انگیز کمتری دارد. آلبوم آستان جانان استاد شجریان به آهنگ‌سازی استاد مشکاتیان از نمونه‌های شنیداری خوب در این آواز است.

نگاهی به فیلم «هفت ونیم»

غیرت و بی‌آبرویی مرا می‌ترساند



گیسو فغفوری

تکراری، روایتی هستند که در دل خدا می‌کنیم شاید اندکی بلغزند و فراتر از قواعد مرسوم و رایج فرشته‌بودن عمل کنند. «شبانه» اولین دختری است که ما با راز او آشنا می‌شویم؛ رازی که در کودکی و به قول دوستش در بیابانی در جهنم‌دره توانسته روحش را بزدد، خواب‌هایش را کابوس و آرزوی مرگ کند و در هراس دائم باشد. دختری که می‌ترسد زندگی نامزدش نصیر با ندانستن این راز نابود شود. او درحالی‌که نتداند لباس‌های زیبا برای عروسی دیگران می‌دوزد از هراس هایش می‌گوید!

بعد از او «نگاره» است که دست‌به‌دامان نامزدش می‌شود تا استقلال و پاکی او را به رسمیت بشناسد و از مادرش بخواهد به او اعتماد کند. «فرشته» هم اسیر چارچوب‌های رایج است و حاضر است برای بودن با نامزدش هر تغییری را بپذیرد، هرچند نامزدش این‌بار محکم‌تر از او دفاع می‌کند. «نیلوفر»، رازی دارد که مادرش و خودش وحشت دارند تا با پدرش در میان بگذارند. پدری که در کاوداری و در میان پهن و تپاله کار می‌کند اما سعی می‌کند همه چیز را برای خانواده‌اش تأمین کند. دختر اما یک خواوش دارد: خواهشی که انجامش در توان پدر نیست! اما

اپیزود «ناهد» نقطه اوج این فیلم است، روایتی دیگر از یک زن افغان و موقعیت دردناک او برای رهایی! از صدای آژیر ماشین آتش‌نشانی تا آرامش انتهای کوچه که واقعه آنجا شکل می‌گیرد. «راحیل» و «شکر» دختران دیگر هستند. فرقی ندارد ۲۵ساله یا ۱۳ساله؛ هرکدام آسیب‌دیده عشق ممنوعه که اکنون ناگزیر از انتخاب‌های خطرناک هستند. گاه موتورسواری با گل است، گاه پسری معتاد. هرچند ما هیچ‌گاه «شکر» را نمی‌بینیم، مگر در صحنه آخر. آخر فیلم همه این زنان را بار دیگر ملاقات می‌کنیم، با همه نگرانی‌های برطرف‌نشده‌شان.



«هفت‌ونیم»، فیلمی چنداپیزودی به کارگردانی «نویسد محمودی» که در طول سال‌ها فعالیتش به‌درستی بر زندگی افغان‌های ساکن ایران تمرکز کرده، فرصتی برای همدلی بیشتر است. او و برادرش، جمشید، در هر فیلم به دغدغه مهاجران می‌پردازند. اگر در «چندمکعب عشق» آن چنان روایت دراماتیکی از عشق بین صابر و مروا قرار می‌دهند، چند سال بعدتر موضوعی قابل‌لمس‌تر را به ما و قانون ما در «شکستن هم‌زمان بیست استخوان» یادآوری می‌کنند؛ اینکه ما مردم ایران نمی‌توانیم اعضای بدن خود را به برادران و خواهران مهاجر افغان اهدا کنیم! این‌بار زنان هستند که چند روز مانده به عروسی داستان‌شان را روایت می‌کنند. هرچند قبل از دیدن فیلم آرزوی می‌کنیم که کاش این شخصیت‌ها از کلیشه‌های رایج ذهنی‌مان فراتر روند؛ فراتر از فقر، تجاوز، کلیشه، قمار و...

برای فیلم‌سازی که مهاجرت و عشق را بارها روایت کرده، حلال این‌بار زندگی دختران در دیالوگ‌ها خلاصه می‌شود. دخترانی عاشق که هرکدام در گذشته خود رازی را نهان دارند. اما آنچه در فیلم می‌بینیم به‌نوعی واگویی کلیشه‌های مرسوم است، همان چیزی که درباره افغان‌ها شنیده‌ایم. همان زنانی که می‌شناسیم؛ زنانی رنج‌دیده، مورد تجاوز قرار گرفته، ترنس، اسیر آداب و رسوم، پایبند به آبرو و غیرت مردان خانواده و تحت ظلم و فقر.

همه این محرومیت و محدودیت، انسانیت را از آنها نگرفته است. آنها هم چنان به دنبال طغیان نیستند، هم‌چنان می‌خواهند در چارچوب راه‌حلی پیدا کنند. آنان با اشک و درد و بغض و رنج، قصه خود را واگویی می‌کنند و دقیقاً واگویی می‌کنند. همه اتفاقات در کلام و در دیالوگ است. در همه آن چیزی است که نشانه‌ای از سینما ندارد؛ البته اندکی هم جانش حرکت و بازی. ما یک صحنه داریم و دوا یا سه بازیگر. داستان دختران فیلم به کلیشه‌ها دامن می‌زند. همه این داستان‌ها را در موقعیت‌هایی تلخ‌تر و دراماتیک‌تر در فیلم‌های دیگر ایرانی دیده‌ایم. در «آینه‌های روبه‌رو»، در «هزاران زن مثل من»، در «خانه دختر» و... با این تفاوت که روایان همین قصه‌های



رعد مجتمع آموزشی نیکوکاری

۳ دهه تلاش در عرصه خدمات رایگان توانمند سازی ، حرفه آموزی ، توانبخشی اشتغال ، کربابی و تحصیلات دانشگاهی توان‌یابان

به همراه جدیدترین متدهای پشتیبانی اشتغال و تحصیل

Supported Employment (SE)
Supported Education (SED)

کمک های مردمی - بانک سامان

۶۲۱۹۸۶۱۰۰۱۸۶۷۶۳۸

تهران، شهرک غرب، فاز دو، خیابان هرمزان، خیابان پیروزان جنوبی ، پلاک ۷۴

۰۲۱ - ۸۸۰۸۲۲۶۶

www.raad-charity.org

info@raad-charity.org

/raadcharity

/raad_charity